

بررسی عوامل مؤثر بر ثبات سیستم بانکداری اسلامی ایران با تاکید بر اندازه بانک و نسبت نقدینگی

مهدی مجاهد^۱

چکیده

ثبات و پایداری سیستم بانکی کشور از جمله مباحث مهم توسعه‌ی بانکی است. لذا بررسی عوامل تأثیر گذار بر ثبات و پایداری بانکداری اسلامی، می‌تواند مسیر رشد و رسیدن به تعادل را در جامعه اسلامی هموار نماید. هدف از پژوهش حاضر آن است تا عوامل متعدد تأثیر گذار بر ثبات و پایداری سیستم بانکی را با تاکید بر سائزبانک و نسبت نقدینگی با رویکردی مقایسه‌ای بین سیستم بانکی متعارف و سیستم بانکداری اسلامی، شناسایی نماید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سائزبانک در بانکداری متعارف بدلیل وجود استقراض رابطه مثبت و مستقیم با ثبات بانکی دارد اما در بانکداری اسلامی این رابطه بدلیل عدم بزرگ‌شدن بی‌رویه بدهی‌ها، سائزبانک با ثبات بانکی رابطه مستقیم ندارد. از طرف دیگر در بانکداری متعارف ریسک نقدینگی فقط متوجه متقاضی سرمایه است در حالیکه در بانکداری اسلامی ریسک نقدینگی بدلیل وجود ابزارهای مالی اسلامی نسبت به بانکداری متعارف کمتر است که شاهدهی بر ثبات بانکی در بانکداری اسلامی می‌باشد. بنابراین نتایج تحقیق رابطه مثبت بین میزان نقدینگی و ثبات بانکی را تایید می‌نماید. این پژوهش با استفاده از روش پنل با داده تلفیقی و اثرات ثابت انجام شده و مشاهدات این نگارش مربوط به بانک‌های مورد پذیرش در سازمان بورس اوراق بهادار و در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۳ است.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، ثبات بانکی، نسبت نقدینگی.

^۱ دانش‌پژوه کارشناسی ارشد اقتصاد جامعه المصطفی - Mahdimojahed@yahoo.com

مسئله محدود کردن اندازه‌ی بانک به عنوان راهی برای تضمین ثبات در نظام مالی همیشه در رأس نظارت و تنظیم بانک‌ها قرار دارد. با این وجود، از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ این مسئله بسیار برجسته شده است. شواهد حاکی از آن است که بانک‌های بزرگ به دلیل وجود بحران، مسائل قابل توجه اقتصادی را مدنظر قرار دادند. از زمان بحران تاکنون، بحث در مورد اندازه مطلوب بانک، پیچیدگی سازمانی بانکها و طیف وسیعی از فعالیت‌های بانک‌ها، در مجامع علمی افزایش یافته است (وینالز و دیگران^۱، ۲۰۱۳). بحث اندازه‌ی بانک‌ها و پیچیدگی سازمانی برخلاف پیشرفت فیزیکی طی دو دهه گذشته به طور قابل توجهی توسعه یافته است که این امر به وسیله نوآوری‌های مالی و مقررات انحصاری مطرح شده است (لویین راتنوسکی^۲، تانگ^۳، ۲۰۱۴). با استفاده از داده‌های پانل حاصل شده از تعدادی بانک‌های ایالات متحده آمریکا، کنترل کیفیت، اهرم‌های مالی، تنوع سرمایه‌گذاری و اندازه بانکی نوسانات بازده را کاهش می‌دهد (دهان^۴ و پوگوسیان^۵، ۲۰۱۲). با این حال، این احتمال توضیح می‌دهد که یکی از ابعاد بحث در مورد اندازه مطلوب بانک‌ها آنست که آیا محدودیت‌های قانونی در مورد اندازه بانک به عنوان راهی برای حل بحران جهانی و مشکلات مربوط به آن وجود دارد. مطلب مهم دیگر آنست که سیاستگذاران پولی و مالی باید یارانه‌های بیش از حد را در جهت تنظیم سائز بانک‌ها کاهش دهند (فرهی^۶ و تیروول^۷ و استین^۸، ۲۰۱۳).

1- Viñals et al.

2- Laeven, Ratnovski

3- Tong

4- de Haan

5- Poghosyan

6- Farhi

7- Tirole

8- Stein

ریسک نقدینگی عدم توانایی بانک در تامین وجوه برای اعطای تسهیلات یا پرداخت به موقع دیون خود نظیر سپرده‌ها است (تراپ^۱، ۱۹۹۹). میزان دسترسی یک بنگاه اقتصادی به منابع، برای پاسخگویی به نیازهای نقدی را نقدینگی گویند. به عبارت دیگر زمان بندی جریان‌های نقد ورودی و خروجی، همراه با چشم انداز عملکرد آتی بنگاه، می‌تواند گویای ریسک نقدینگی و جریان نقدینگی وجوه باشد. همچنین توانایی پاسخگویی به تعهدات بانک یا قابلیت تبدیل دارایی‌ها به نقد و یا توانایی به دست آوردن نقد را نقدینگی می‌گویند. زمانی به اهمیت نقدینگی پی برده می‌شود که بازتاب عدم توانایی بانک در بازپرداخت تعهداتش، مدنظر قرار گیرد. زمانی که شرکت دچار فقدان نقدینگی است نمی‌تواند از نرخ‌های تنزیل مطلوب یا فرصت‌های سوددهی استفاده کند. همچنین فرصت‌ها و قدرت مانور مدیریت نیز محدود می‌شود. بانکی که دارای مشکلات نقدینگی وخیم تری است، نمی‌تواند تعهدات کوتاه مدت خود را پوشش دهد، که این امر به فروش سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های بانک و در بدترین شرایط به عدم توانایی باز پرداخت بدهی‌ها و در نهایت ورشکستگی منجر می‌شود. برای مدیریت صحیح نقدینگی لازم است ابزار مناسب و عوامل موثر این کار به درستی مورد شناسایی قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر نقدینگی بانک‌ها، موقعیت دارایی و بدهی‌های بانک‌ها است. از سوی دیگر، مدیریت دارایی- بدهی یکی از عوامل کلیدی در توضیح پایداری مالی بخش بانکی و اقتصاد است (جایسوال^۲، ۲۰۱۰).

پیشینه

وریز کالمیریز^۳ و کان^۴ (۱۹۹۱)، در پژوهشی ارتباط بین ساختار مالی و ثبات بانکی در

^۱ - Tripc

^۲ - Jaiswal

^۳ - Whereas Calomiris

^۴ - Kahn

قالب جمع آوری مسائل تجربی را گردآوری کردند. این محققان پیشنهاد کردند که وجوه ممکن است ریسک نقدینگی بانک را توسط مدیریت مناسب و به موقع به حداقل برسانند. نیکولا^۱ (۲۰۱۰)، طی مقاله‌ای در زمینه‌ی مفهوم بانکی، به اهمیت ریسک نقدینگی و نسبت نقدینگی به عنوان یکی از ریسک‌های مالی اذعان کردند. نقدینگی تأمین مالی توانایی حل و فصل تعهدات فوری می‌باشد. نقدینگی را توانایی یک بنگاه برای پرداخت به موقع پرداخت‌های توافق شده را مدنظر قرار می‌دهند (IMF, 2008, p. xi). ریسک نقدینگی یعنی این احتمال که در طی یک افق مشخص بانک قادر نخواهد بود تا تعهدات خود را با سرعت انجام دهد. تعریف‌های مذکور شامل مفهوم توانایی یک بانک برای برآورده ساختن تعهدات مالی آن‌ها و زمانی است که آن‌ها به سر می‌برند.

آلتایی^۲، تالو^۳ و آدم^۴ (۲۰۱۳)، در پژوهش خود به تأثیر منفی سائز بانک روی ثبات مالی بانک‌های بزرگتر نسبت به بانک‌های کوچک پرداختند. طبق این پژوهش بانک‌های کوچک از ثبات کمتر نسبت به بانک‌های بزرگتر برخوردار هستند. همچنین آزمایش ثبات بانک‌ها در تعدادی کشورهای حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که اندازه بانک تأثیر مهمی (به لحاظ آماری) روی ثبات بانک‌ها ندارد. نتیجه‌گیری از تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط بین اندازه بانک و ثبات به صورت مجمل می‌باشد و واضح نمی‌باشد.

لاون^۵ و دیگران (۲۰۱۴)؛ کولر^۶ (۲۰۱۵)، طی مطالعه‌ای در جستجوی ارتباط سائز و ثبات بانک‌ها پرداخته است. این تجزیه و تحلیل ارتباط اندازه بانک و ثبات بانک بین ۷

^۱ - Nikolaou

^۲ - Altaee

^۳ - Talo

^۴ - Adam

^۵ - Laeven et al

^۶ - Köhler

بانک پرداخته است که به طور میانگین، بانک‌های بزرگتر نسبت به بانک‌های کوچک ریسک‌های بیشتری ایجاد می‌کنند.

دمیرگک - کانت^۱ و هوزینگا^۲ (۲۰۱۰)؛ کولر^۳ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بخش اعظم منابع وجوه هستند که می‌تواند عدم ریسک‌پذیری بانک‌ها را منعکس کند. سپرده‌های مشتری برای ایجاد ثبات در بانک‌ها کمک می‌کند تا این امر بهبود یابد. سهم بیشتر وجوه سپرده‌های مشتری برای ثبات انواع مختلف بانک‌ها می‌باشد. در حقیقت افزایش در سهم وجوه سپرده‌ها باعث کاهش ثبات درهماهنگی جزئیات و بخش‌های بانک‌ها می‌شود و افزایش در وجوه سپرده‌های مشتری باعث افزایش ثبات در سرمایه بانک‌ها می‌شود. مطالعه حاضر تأثیر ساین بانک و نسبت نقدینگی بر ثبات بانک‌ها را مورد بررسی و تفحص قرار می‌دهد.

توتونچیان (۱۳۷۵)، در تحقیق خود دلیل اصلی بی‌ثباتی در نظام بانکداری متعارف را وجود بهره در این نظام می‌داند و معتقد است حذف بهره از اقتصاد فایده‌های متعددی خواهد داشت. از دیدگاه وی توجیه‌های متنوع و مکرر اقتصاددانان غربی یکی پس از دیگری و در فاصله‌های زمانی کوتاه و عدم توانایی آن‌ها در پیدا کردن علت اساسی عدم تعادل‌های اقتصاد سرمایه داری، نشان دهنده وجود تضاد درونی در این نظام است.

جمالیان (۱۳۸۶)، طی پژوهش خود به ریسک کمتری که بانکداری اسلامی با آن روبرو است توجه می‌کند؛ که در حقیقت بُعد خاصی از ثبات در نظام بانکداری اسلامی را بیان می‌دارد. در تحقیق وی، چهار ریسک اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ریسک نرخ بهره، نقدپذیری، اعتبار و بازار. وی پس از ارائه تحلیل مفصل، نشان می‌دهد که نظام بانکداری اسلامی در کل و با در نظر گرفتن چهار مورد ذکر شده، با

^۱ - Demirgüç-Kunt

^۲ - Huizinga

^۳ - Köhler

ریسک کمتری روبرو است.

موسویان (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر، کارایی بهتر»، با بررسی بازتاب استفاده از نظام بانکداری اسلامی به جای بانکداری متعارف، نشان داده است که با جایگزینی بانکداری اسلامی، همه متغیرهای اساسی، وضعیت بهتری خواهند داشت و نظام بانکی و اقتصادی ثبات بیشتری خواهد گرفت.

عیوض‌لو و میسمی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، به صورت نظری بر دو مورد از منافع اقتصادی که از به کارگیری قانون الهی درباره تحریم ربا انتظار می‌رود (یعنی ثبات و کارایی) تمرکز کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی، نسبت به تأمین مالی متعارف، باثبات‌تر و کاراتر است و به دلایل گوناگون، رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد.

ندری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود علل زمینه‌ای ایجاد بحران‌های مالی در نظام اقتصادی و ظرفیت نظام بانکداری اسلامی در کاهش این زمینه‌ها را بررسی می‌کنند. تفاوت اصلی این تحقیق با سایر تحقیقات در آن است که اولاً علاوه بر سائز بانک، یکی از نسبت‌های مؤثر در ثبات مالی بانک‌ها نسبت نقدینگی را دخیل کرده ایم چرا که نسبت نقدینگی در برآزش ثبات مالی بانک‌ها به عنوان یک ابزار سنجش در کوتاه مدت و بلندمدت می‌باشد. ثانیاً مدیریت نقدینگی و ریسک نقدینگی در بانک‌ها از مهم‌ترین استراتژی‌ها می‌باشد و به وسیله‌ی آن بانک‌ها می‌تواند ثبات و دوام تضمین شده و منبع و محل سرمایه‌گذاری‌ها باشد.

مبانی نظری

عوامل مؤثر بر ثبات بانکی در بانکداری متعارف

ارتباط بین اندازه بانک و ثبات بانک‌ها می‌تواند در چارچوب تئوری نظریه بنگاه درک شود. مفهوم نظریه سازمان این است که صاحبان و مدیران بنگاه‌ها، اهداف ناسازگاری را به عهده دارند که به عنوان نقش نظارتی به منظور ترویج اهداف سازمان در تحقق آن

تلاش می‌کنند (جانسن^۱ و مک‌لین^۲ ۱۹۷۶). به عبارت دیگر، این نظریه بیان می‌کند که تصمیمات و اقدامات مدیران معمولاً در راستای دستیابی به اهداف شخصی منجر می‌شود. بنابراین، هر چه شرکت بزرگتر باشد از ثبات کمتری برخوردار است و نظارت و بررسی کمتر انجام می‌گیرد (گابیکس^۳ و لاندیر^۴ ۲۰۰۸؛ جانسن^۵ ۱۹۸۶؛ مارفی^۶ ۱۹۸۵). این نظریه به طور کلی یک رابطه منفی بین اندازه بانک و ثبات بانک را پیش بینی می‌کند. نظریه دیگری که بیانگر رابطه‌ی احتمالی بین اندازه بانک و ثبات بانک است یک نظریه مدیریت است که مدیران به لحاظ ذاتی قابل اعتماد سازمان هستند و به این ترتیب نمی‌توانند از منابع نادرست استفاده کنند (دویس^۷، شورمن^۸ و دونالدسون^۹، ۱۹۹۷؛ دونالدسون^{۱۰} و دویس^{۱۱}، ۱۹۹۱). این امر نشان می‌دهد که مدیران برای به دست آوردن رضایت ذاتی برای انجام مسئولیت و وظایفشان به فعالیت می‌پردازند (امسی کلند^{۱۲}، ۱۹۶۱). وقتی تعدادی بنگاه مدیران خود را تعیین می‌کنند و به فعالیت مشترک می‌پردازند،

^۱ - Jensen

^۲ - Meckling

^۳ - Gabaix

^۴ - Landier

^۵ - Jensen

^۶ - Murphy

^۷ - Davis

^۸ - Schoorman

^۹ - Donaldson

^{۱۰} - Donaldson

^{۱۱} - Davis

^{۱۲} - McClelland

اگر این امر باعث ادغام بنگاه‌ها شود در نتیجه اعتماد به نفس فردی با اعتبار بنگاه را در پی خواهد داشت. این پیروی و تبعیت یک وظیفه همگانی زمانی که پاداش مدنظر نباشد به عنوان الزامات نامیده می‌شود (اتزونی^۱، ۱۹۷۵). بنابراین نظریه مدیریت استدلال می‌کند که هیچ مشکل انگیزشی داخلی بین مدیران بنگاه وجود ندارد؛ مدیران بنگاه‌ها در پی دستیابی به عملکرد خود هستند. اگر وضعیت ساختاری بنگاه مناسب باشد، انتظار می‌رود که شرکت‌های بزرگ از مدیران سطوح عالی انتظارات بالاتر داشته باشند. سوال مهم در اینجا آن است که آیا سیاست‌های دولت از مدیران بنگاه‌های اقتصادی بزرگ حمایت می‌کند یا خیر؟ سیاست‌های دولت اهدافی را حمایت می‌کنند که بنگاه‌ها «انتظارات مشخصی» را ارائه دهد (دونالدسون^۲ و دویس^۳، ۱۹۹۱).

با توجه به مطالعات انجام شده در مورد سائز بانک و نقدینگی سیستم بانکداری متعارف، متوجه می‌شویم که سائز بانک رابطه‌ی مستقیم و مثبت با ثبات بانک دارد و هم-چنین نقدینگی رابطه‌ی مستقیمی با ثبات بانک دارد. توجه اولیه برای این موضوع این است که یکی از راه‌های بزرگ شدن سائز بانک‌ها استقراض است و تأمین مالی از راه استقراض، بازار بدهی گسترده‌ای ایجاد می‌کند و باعث بزرگ شدن سائز بانک البته به نحو نامطلوب می‌شود. (جمالیان، ۱۳۸۶). هم‌چنین خرید و فروش وام با نرخ‌های بهره به صورت مکرر منجر به توسعه بازار بدهی بانک می‌شود و این امر از طرفی باعث بزرگ شدن بی‌رویه بانک می‌شود. بحران مالی اخیر آمریکا و اروپا نمونه بارز این واقعیت است. این در حالی است که نظام بانکداری اسلامی به جهت اصل مشارکت در سود و زیان دچار گسترش بی‌رویه‌ی بازار بدهی و بزرگ شدن سائز بانک به نحو ناشایست نمی‌شود. عامل دیگر ثبات بانکی که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد اندازه‌گیری

^۱ - Etzioni

^۲ - Donaldson

^۳ - Davis

نسبت نقدینگی بانک‌ها است. ریسک‌های مالی، ریسک‌هایی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته بوده و در مجموع ریسک کلی بانک را افزایش می‌دهند (اسدی پور، ۱۳۸۴) و به دو دسته ریسک خاص و بازار تقسیم می‌شوند. ریسک خاص شامل ریسک‌های نقدینگی، اعتباری و ریسک ساختار سرمایه و ریسک بازار شامل ریسک‌های نوسان نرخ بهره، ارزی و قیمت است (جول^۱، ۱۹۹۹). ریسک نقدینگی، یکی از متداول‌ترین ریسک‌هایی است که بانک‌ها با آن روبرو هستند و مدیریت صحیح نقدینگی به منظور جلوگیری از هدر رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، استفاده از مقادیر نقدینگی مازاد برای سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات جدید به منظور کسب بازدهی بیشتر، آمادگی برای رویارویی با شرایط بحرانی و کسری منابع نقد، ضروری است.

ریسک نقدینگی از طرفی بر روی تأمین کننده سرمایه تأثیر می‌گذارد و از طرف دیگر بر متقاضی سرمایه تأثیر گذار است. اگر بانک به عنوان تأمین کننده سرمایه تمام نقدینگی خود را صرف تعهدات بلندمدت کند برای کوتاه مدت نمی‌تواند پاسخ درستی برای متقاضی سرمایه داشته باشد و این امر باعث می‌شود تا در کوتاه مدت از کمبود نقدینگی آسیب ببیند و ریسک نقدینگی بانک افزایش می‌یابد که در نهایت دچار بحران مالی و عدم ثبات بانکی می‌شود.

عوامل مؤثر بر ثبات بانکی در بانکداری اسلامی در ایران

از شاخص‌های مهم در بخش بانکداری عامل ثبات بانکی است که به میزان پایداری نظام بانکداری در مقابل متغیرهای اقتصاد کلان (مانند تورم و تولید ناخالص ملی)، عامل‌های توسعه اقتصادی و تمرکز بخش بانکداری اطلاق می‌شود. ثبات مالی مانند سلامت معمولاً با ضد آن تعریف می‌شود. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی در همه یا اکثر شاخص‌های مالی شامل نرخ‌های بهره کوتاه مدت و قیمت دارایی‌ها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات و زمین) و ورشکستگی و سقوط مؤسسات مالی گفته می‌شود، درحالی

^۱ - Joel

که رونق یا حباب برحسب هجوم پول به سوی داراییهای حقیقی یا مالی شناسایی می‌شود که بر انتظار استمرار در افزایش قیمت دارایی‌ها مبتنی است (نیلی، ۱۳۹۰).

در ایران بانک مرکزی برای سر و سامان دادن به سیاست پولی در نیمه دوم قرن بیستم و در مقایسه با بسیاری از کشورها، بسیار دیر ایجاد شد. باز هم نمی‌توان گفت که اصولاً سیاست پولی، به‌عنوان ابزار کنترل حجم پول، قبل و بعد از آن به اجرا در می‌آمده، چه این افزایش حجم پول و نقدینگی در کشور با یک رشد نمایی ادامه یافته و کاهش مداوم ارزش پول که در قرن‌های قبل، از طریق کاهش وزن و محتوای مسکوک رایج انجام می‌شده، پس از ایجاد پول کاغذی و اعتباری با سهولت بیشتری ادامه یافته است.

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰، به‌دلیل تجربه ناموفق کشورهای درحال توسعه که به سیاست‌های اقتصاد دولتی متکی بودند، جهان در حال بازنگری سیاست‌های اقتصادی دولت‌مدار بود و جو فکری در محافل دانشگاهی، مراکز حکومتی کشورهای در حال توسعه، افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی در حال تغییر بود. ظهور انقلاب و تحولات سیاسی و احساسی ناشی از آن مجال توجه به این تغییرات را نمی‌یافت و افراد مکتب قدیم تفکر انقلابی‌گری که چپ‌گرایی شالوده آن بود، بی‌محابا تغییراتی را رقم زدند که تصحیح آن چنددهه به طول انجامید و هزینه‌های گزافی را طلب کرد. یکی از این اقدامات ملی‌شدن بانک‌ها در نتیجه تصمیم دولت موقت و تصویب شورای انقلاب تحت عنوان قانون ملی‌شدن بانک‌ها، مصوب سال ۱۳۵۸- بود.^۱ پس از آن طبق اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بانک‌ها و سایر فعالیت‌های اقتصادی مهم، دولتی اعلام شدند. از اقدامات درخور توجه دیگر، تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال

^۱ مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۵۸. طبق مطالب مندرج در نشریات آن زمان در دولت موقت؛ مهندس معین‌فر، مهندس کتیرایی و مهندس طاهری از موافقان و دکتر مولوی رئیس کل وقت بانک مرکزی از مخالفان این پیشنهاد بودند.

۱۳۶۲ است.^۱ در این قانون سه نکته مهم درخور توجه است:

۱. تأکید بر اجتناب از به‌کارگیری عبارت «نرخ بهره» و توجه به ضرورت وجود معاملات واقعی به عنوان مبنای ارائه اعتبار بانکی (همان ملاحظه‌ای که در قوانین قبل از سال ۱۳۳۹ دیده می‌شود)؛ به این ملاحظه موضوع ارائه اعتبار قرض‌الحسنه نیز اضافه شده است.^۲

۲. تأکید بر عقود اسلامی به عنوان ضابطه ایجاد رابطه اعتباری بین بانک و مشتری^۳ و اجازه به بانک‌ها برای فاصله‌گرفتن از واسطه‌گری مالی و درگیر شدن در فعالیت‌های مستقیم مانند خرید ماشین‌آلات و اجاره آنها.^۴ سازوکار جذب سپرده نیز بیشتر جنبه تشویق از طریق ارائه جایزه غیرنقدی و مانند آن دارد^۵ و تضمینی بر ایجاد تعادل بین منابع و مصارف پیشبینی نشده است.

۳. مکلف دانستن بانک‌ها به کمک به بودجه و برنامه‌های عمرانی دولت. این امر در فصل چهارم قانون تحت عنوان «سیاست پولی» آمده و در واقع نوعی سیاست بودجه

^۱. قانون عملیات بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۱۰.

^۲. ماده ۱۴. بانک‌ها موظف هستند بخشی از منابع خود را به صورت قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند.

^۳. ماده ۳. ... مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، جعاله.

^۴. ماده ۱۱. خرید و اجاره ماشین‌آلات. ماده ۱۲. در امور خدمات کشاورزی صنعتی و معدنی کالاهای منقول و یا غیر منقول خرید رأی و به صورت اجاره به شرط تملیک به آنها به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار کنند.

^۵. ماده ۶: جذب سپرده‌ها، اعطای جایزه‌های نقدی و جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه، تخفیف یا معافیت از کارمزد برای سپرده‌گذاران، دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات.

است، نه سیاست پولی.^۱ در بسیاری از قوانین قبلی نیز این ملاحظه کم و بیش مطرح بوده اما در این قانون ابعاد وسیعتری یافته و تأکیدی است بر این که اصولاً حکومت‌ها در ایران فعالیت بانکی را حیطه‌ای جدا از فعالیت بودجه‌ای خود نمی‌دانند و از ابتدا آن را از حواشی روش‌های تأمین مالی دولتی تلقی کرده‌اند.

تحول مهم دیگر درارتباط با اصل ۴۴ قانون اساسی مربوط به تفسیر ذیل اصل ۴۴ است.^۲ بررسی در این مورد از سال‌های دهه ۱۳۷۰ در مراکز مختلف و بالاخره در مجمع تشخیص مصلحت (از سال ۱۳۷۷) در جریان بوده است. پس از بحث‌های کارشناسی و چالش‌های سیاسی مختلف تفسیر نهایی مربوط به برخی از بندها^۳ و بند مربوط به «توسعه بخش

^۱ فصل چهارم قانون. بانک مرکزی و سیاست پولی: ماده ۱۸ و ماده ۱۹ سیاست اعتباری را در ردیف بودجه‌های دولت قرار می‌دهد تصویب دولت (کوتاه‌مدت) و برنامه‌های پنجساله (سیاست درازمدت). ماده ۲۰ ابزار سیاست‌گذاری پولی. ماده ۸ سیاست سرمایه‌گذاری عمرانی مستقیم بانک‌ها در بودجه سالانه پیشبینی شود. در طرح‌هایی که زیانده نباشد، بانک‌ها اجازه نداشتند در اشیاء تجملی و غیرضروری سرمایه‌گذاری کنند.

^۲ اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌هاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

^۳ به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱.

غیردولتی از طریق خصوصی سازی^۱ ابلاغ شد.

در سال ۱۳۳۹ قانون دیگری که جامع تر از قانون اولیه بود، به نام قانون بانکی و پولی کشور به تصویب دو مجلس رسید. این قانون تا ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ اجرا شد و در تاریخ مزبور قانون جدید پولی و بانکی کشور به تصویب رسید که امروزه نیز بخش‌های عمده‌ای از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (تقوی، ۱۳۸۴، ۱۷۸).

یکی از مفاهیمی که می‌توان در بحث بانکداری اسلامی مطالعه کرد، بحث ثبات مالی است. مفهوم ثبات مالی یکی از شاخص‌های مهم در مؤسسات مالی و اعتباری نظیر بانک‌ها بوده و همواره مورد توجه قرار گرفته است. ثبات مالی به وضعیتی گفته می‌شود که بحران‌های مالی سیستماتیک، ثبات اقتصاد کلان را تهدید ننماید. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی و سریع در همه یا اکثر شاخص‌های مالی، شامل نرخ‌های بهره کوتاه مدت و قیمت دارایی‌ها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات، زمین) و ورشکستگی و سقوط مؤسسات مالی اطلاق می‌شود. از این رو، با توجه به اهمیت مفهوم ثبات مالی، این مطالعه قصد دارد تا ثبات مالی را در بانکهای منتخب داخل کشور مطالعه و با هم مقایسه کند.

بانکداری اسلامی فاقد ریسک ناشی از نرخ بهره است. نبود این ریسک منجر به نوسانات اقتصادی کمتر و ثبات اقتصادی بیشتر است. استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی و مبادل‌های) به جای استفاده از بهره، کارایی بیشتری دارد. زیرا در بانکداری اسلامی از رتبه بندی سوددهی به جای رتبه بندی اعتباری استفاده می‌شود. این رتبه بندی منجر به تخصیص بهینه منابع می‌شود و کارایی بیشتری نسبت به نظام رتبه بندی اعتباری دارد در نظام بانکداری سرمایه‌داری (ربوی) ویژگی‌هایی چون سفته بازی، عدم همزمانی تعهدهای بانک با دریافتی‌ها و بی‌ثباتی‌های مالی ناشی از پدید آمدن بازارهای بدهی به وجود می‌آید.

متغیرهای تحقیق

در این بخش متغیرهای مورد استفاده برای تحلیل مسئله ثبات بانکی ارائه شده است.

^۱ - به تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱.

خلاصه‌ای از متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها در ادامه بیان شده است.

متغیرهای وابسته

در این پژوهش معیار تشخیص ثبات بانکی شاخص ROA و ROE است. متغیرهای وابسته دو شاخص بازده دارایی و بازده سرمایه‌گذاری تعداد ۷ بانک (اقتصاد نوین، پارسیان، تجارت، سینا، صادرات ایران، ملت، کارآفرین) در طول زمان ۱۳۸۷-۱۳۹۳ با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی ایویوز می‌باشد. دلیل انتخاب بانک‌های مذکور دسترسی کامل به اطلاعات مالی و حسابداری آن‌ها می‌باشند.

متغیرهای مستقل و کنترلی

SIZE: اندازه‌ی بانک یکی از دو متغیر مستقل است که به عنوان لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک اندازه‌گیری می‌شود (آمیدو^۱ و والف^۲، ۲۰۱۳). Depo: متغیر مستقل دیگر کل سپرده‌های دیداری مردم نزد بانک مدنظر قرار گرفته است. Inflation: نرخ تورم به طور سالانه از سایت بانک مرکزی مدنظر می‌باشد. GDP: تولید ناخالص داخلی کشور که از سایت‌های اقتصادی و بانک مرکزی استخراج گردیده است.

متغیرهای کنترلی مذکور در ادبیات پژوهش، Div: اندازه‌گیری نسبت تنوع بخشی در مدل کسب و کار بانک‌ها می‌باشد که کل اوراق مشارکت بانک‌ها مدنظر قرار گرفته است که از تقسیم کل اوراق مشارکت بانک به دارایی آن استخراج می‌گردد (بوکالی^۳، آنالی^۴ و بورلو^۵، ۲۰۱۵). ROA: منظور نسبت بازدهی دارایی‌های بانک می‌باشد. ROE: منظور نسبت بازدهی سرمایه بانک می‌باشد. (تمامی این اطلاعات آماری از صورت حساب‌های

^۱ - Amidu

^۲ - Wolfe

^۳ - Beccalli

^۴ - Anolli

^۵ - Borello

موجود در سایت بانک‌های مذکور استخراج گردیده است)

Liquidity Ratio: نسبت نقدینگی بانک‌ها که از صورت حساب سودووزیان بانک استخراج می‌گردد که دارایی‌های نزدیک به نقد بانک‌ها (ریسک نقدینگی وجوه) نسبت به کل دارایی آن‌ها محاسبه می‌گردد (فوردلیزی^۱ و میر^۲، ۲۰۱۴؛ رز^۳ و هاجین^۴، ۲۰۰۸). **Credit Risk** نسبت کل وام به کل دارایی‌های بانک میزان ریسک اعتباری بانک را اندازه‌گیری می‌کند (کورک^۵، پاپوسکی^۶ و پیپور^۷، ۲۰۱۲).

روش شناسی

قبل از این که به توضیح و تفسیر مدل‌های تحقیق بپردازیم، ابتدا باید نسبت به روش برآورد مدل رگرسیونی تصمیم‌گیری شود. در این راستا در مرحله‌ی اول به منظور تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از روش داده‌های یکپارچه (تلفیقی) در برابر داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)، از آزمون چاو (F لیمر) استفاده می‌شود. چنانچه نتایج این آزمون با احتمال ۰/۰۵ (۵ درصد) و کمتر باشد داده‌ها از نوع داده‌های تابلویی و اثرات ثابت می‌باشد و فرضیه‌ی داده‌های تلفیقی رد خواهد شد و چنانچه نتیجه آزمون بیشتر از ۵ درصد تخمین زده شود فرضیه‌ی داده‌های تابلویی (اثرات ثابت) رد خواهد شد.

بعد از آزمون چاو نیاز به آزمون هاسمن می‌باشد که باتوجه به این که اگر نتیجه اثرات ثابت (داده‌های تابلویی) تخمین زده شود نیاز به آزمون هاسمن می‌باشد تا مشخص کند

^۱ - Fiordelisi

^۲ - Mare

^۳ - Rose

^۴ - Hudgins

^۵ - Curak

^۶ - Poposki

^۷ - Pepur

که داده‌ها از نوع تصادفی می‌باشد یا اثرات ثابت. اگر احتمال آزمون تا ۵ درصد تخمین زده شود داده‌ها از نوع اثرات ثابت خواهد بود و فرضیه‌ی داده‌های تصادفی رد خواهد شد ولی چنانچه داده‌ها بیشتر از ۵ درصد خواهد بود فرضیه داده‌های تصادفی اثبات خواهد شد و فرضیه‌ی داده‌های اثرات ثابت رد خواهد شد.

مدل‌ها و فرضیات

با استفاده از دو شاخص زیر ثبات بانک اندازه‌گیری می‌شود و برآورد می‌شود:

$$1) ROA_{it} = C + \beta_1 Size + \beta_2 Depo + \beta_3 liquidity + \beta_4 Crisk + \beta_5 Div + \beta_6 ROE + \beta_7 Infl + \beta_8 GDP + V_{it}$$

$$2) ROE_{it} = C + \beta_1 Size + \beta_2 Depo + \beta_3 liquidity + \beta_4 Crisk + \beta_5 Div + \beta_6 ROA + \beta_7 Infl + \beta_8 GDP + V_{it}$$

در برآورد مدل‌های فوق، متغیر وابسته به زمان (t) مربوط به متغیرهای توضیحی در زمان (t-1) می‌باشد. به عبارت دیگر، همه‌ی متغیرهای توضیحی به منظور کاهش احتمال نگرانی بالقوه کاهش می‌یابند (هانن^۱ و پراجر^۲، ۲۰۰۹). منطق این است که ثبات بانکی در زمان t یک تابعی از مجموع متغیرهای توضیحی است و همه‌ی داده‌ها قابل تبدیل به یکنواختی می‌باشند. این دو مدل مبنای اصلی فرضیات پژوهش می‌باشند که سائز بانک و نسبت نقدینگی از مؤلفه‌های اصلی آن است. در ادامه به ذکر فرضیات می‌پردازیم:

فرضیه (۱) بین سائز بانک و ثبات مالی بانک‌ها یک رابطه‌ی مثبت و مستقیم می‌باشد.
فرضیه (۲) رابطه‌ی نسبت نقدینگی و ثبات مالی بانک‌ها یک رابطه‌ی مثبت و مستقیم می‌باشد.

^۱ - Hannan

^۲ - Prager

آمار توصیفی

	ROA	SIZE	DEPO	LRISK	DIV	ROE	INFL	GDP
Mean	1.806614	4.02E+08	59520591	0.919841	0.020496	22.07715	21.55714	0.714286
Median	1.7535	2.93E+08	12667727	0.9258	0.0122	23.5655	21.5	0.9
Maximum	4.4637	1.44E+09	2.79E+08	0.9632	0.0709	40.7118	34.7	6.6
Minimum	0.1766	28129001	339106	0.8348	0	3.4758	10.8	-6.6
Std. Dev.	1.055203	3.64E+08	73591167	0.030154	0.02038	8.366797	8.560763	3.949262
Skewness	0.909699	1.178175	1.252804	-0.94132	0.875697	0.063224	0.192144	-0.41871
Kurtosis	3.054454	3.732397	3.857222	3.406605	2.696447	2.917565	1.611309	2.567274
Probability	0.033973	0.001998	0.000778	0.022665	0.039742	0.977009	0.120105	0.403717
Sum	88.5241	1.97E+10	2.92E+09	45.0722	1.0043	1081.78	1056.3	35
Sum Sq. Dev.	53.44576	6.36E+18	2.60E+17	0.043643	0.019937	3360.158	3517.76	748.64
bservations	49	49	49	49	49	49	49	49

ضریب همبستگی

عدم وجود خودهمبستگی یکی از فروض کلاسیک است که ما برای راحتی در محاسبات آن را در نظر می‌گیریم اما اگر رگرسیون دارای مشکل خود همبستگی باشد، یا به عبارتی در طرف راست معادله متغیر وابسته تأخیری داشته باشیم، از این آزمون استفاده می‌کنیم.

	ROA	SIZE	DEPO	LRISK	DIV	ROE	INFL	GDP	C
ROA	1								
SIZE	-0.63629	1							
DEPO	-0.58314	0.928262	1						
LRISK	-0.7606	0.495704	0.491679	1					
DIV	0.050682	0.160829	0.294918	-0.11506	1				
ROE	0.727365	-0.4495	-0.375	-0.14913	-0.09465	1			
INFL	0.056605	0.149804	0.158136	-0.12881	0.173403	0.024026	1		
GDP	0.054994	-0.20953	-0.1704	0.103338	-0.09857	0.138856	-0.71572	1	
C	-1.27E-09	7.93E-10	-2.45E-09	6.34E-23	-2.06E-09	-2.57E-10	-2.51E-10	-6.13E-10	1

آزمون مانایی داده‌ها

قبل از انجام بسیاری از آزمون‌های اقتصادسنجی لازم است ابتدا و قبل از هر کاری، مانایی (پایایی) متغیرها و داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد. بدون انجام بررسی مانایی متغیرها،

که با آزمون ریشه واحد انجام می‌شود، تحلیل آماری شما ناقص خواهد بود.

Panel unit root test: Summary				
Date: 01/28/18 Time: 21:50				
Sample: 1387 1393				
Exogenous variables: Individual effects				
Automatic selection of maximum lags				
Automatic lag length selection based on AIC: 0				
Newey-West automatic bandwidth selection and Bartlett kernel				
Balanced observations for each test				
Method	Statistic	Prob.**	Cross sections	Obs
Null: Unit root (assumes common unit root process)				
Levin, Lin & Chu t*	-6.99472	0.0000	7	49
Null: Unit root (assumes individual unit root process)				
Im, Pesaran and Shin W-stat	-2.65245	0.0040	7	49
ADF - Fisher Chi-square	38.3493	0.0005	7	49
PP - Fisher Chi-square	50.7631	0.0000	7	49

آزمون استنباطی

پس از توصیف متغیرها و پاسخ‌های بدست آمده از جامعه آماری در این بخش به بررسی فرضیه‌های مطرح شده و آزمون آماری مورد استفاده در پژوهش پرداخته می‌شود، تا بتوان با تحلیل یافته‌ها، صحت و سقم فرضیات پژوهش را از نظر آماری مورد بررسی قرار دهیم. در این قسمت فرضیه‌های تحقیق را مورد آزمون قرار می‌دهیم.

نتایج پژوهش

	Variable	ROA			ROE		
		Coefficient	t-Statistic	Prob.	Coefficient	t-Statistic	Prob.
	C	20.97122	18.59772	0.0000	-240.7693	-12.74327	0.0000
	SIZE	1.55E-11	0.062594	0.9504	-1.53E-09	-0.511365	0.6119
	DEPO	-5.51E-10	-0.452575	0.6533	1.02E-08	0.689395	0.4946
	LRISK	-22.62804	-18.51396	0.0000	261.979	13.28203	0.0000
	CRISK	0.053069	0.400312	0.6911	0.451174	0.280177	0.7808
	DIV	2.802456	1.666986	0.1033	-35.66899	-1.754573	0.0870

	ROE/ROA	0.077789	18.08529	0.0000	11.45447	18.08529	0.0000
	INFL	-0.005532	-1.060297	0.2954	0.08017	1.273893	0.2101
	GDP	0.001074	0.096555	0.9236	0.028157	0.208776	0.8357
	R-squared	0.968767			0.926847		
	Adjusted R-squared	0.96252			0.912217		
	S.E. of regression	0.204285			2.478934		
	Sum squared resid	1.669295			245.8045		
	Log likelihood	13.26778			-109.0395		
	F-statistic	155.0849			63.3502		
	Prob(F-statistic)	0.0000			0.0000		
	Mean dependent var	1.806614			22.07715		
	S.D. dependent var	1.055203			8.366797		
	Akaike info criterion	-0.174195			4.81794		
	Schwarz criterion	0.173282			5.165417		
	Hannan-Quinn criter.	-0.042363			4.949773		
	Durbin-Watson stat	1.128229			1.101442		
	Total panel (balanced) observations	49			49		
F- Test					F- Test		
Effects Test		Statistic	d.f.	Prob.	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F		6.015854	(6,34)	0.0002	4.700903	(6,34)	0.0014
Cross-section Chi-square		35.451143	6	0.0000	29.599996	6	0.0000
نتیجه: داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)					نتیجه: داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)		
Correlated Random Effects - Hausman Test					Correlated Random Effects - Hausman Test		
		Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq.d.f	Prob.
Cross-section random		11.830615	6	0.0659	0	6	1
نتیجه: داده‌های تصادفی					نتیجه: داده‌های تصادفی		

برای بررسی خود همبستگی از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. در ادامه با توجه به این که آماره R از درصد بالایی برخوردار است نشان می‌دهد که کل متغیرهای مدل به درستی تخمین زده شده است و دارای سطح اطمینان بالایی می‌باشد همچنین R^2 (R تعدیل شده) که از درصد بالایی برخوردار است حاکی از آن است که متغیرها به درستی برازش شده‌اند و قابلیت اتکا را دارا می‌باشد. در تمامی موارد در صورت برقراری همسانی واریانس وعدم خود همبستگی از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

از آن جا که نتایج آزمون F لیمر با احتمال کمتر از 0.05 (۵ درصد) برآورد شده است روش داده‌های تلفیقی (یکپارچه) رد خواهد شد و در نتیجه داده‌های تابلویی (اثرات ثابت) اثبات خواهد شد. همان طور که در آزمون چاو درصد احتمال ۰ (صفر) هست، می‌توان برای آزمون بعدی اقدام نمود. در رابطه با این موضوع از آزمون هاسمن استفاده شده است. در جدول ملاحظه می‌نمایید که برای آزمون هاسمن با احتمال ۱ این نتیجه به دست خواهد آمد که فرضیه‌ی اثرات تصادفی اثبات و فرضیه‌ی اثرات ثابت رد خواهد شد.

در پایان، پس از اجرای مدل پژوهش برای بیان ثبات بانک‌ها، دو شاخص ROA و ROE با احتمالات به ترتیب سائز بانک 0.9504 ، 0.6119 و نسبت نقدینگی در هر دو شاخص برابر 0.0000 می‌باشد که بیانگر آن است که ثبات بانک‌های مدنظر در پژوهش با استفاده از سائز بانک تأیید نمی‌گردد اما با توجه به نسبت نقدینگی بانک‌ها می‌توان به ثبات بانک‌ها پی برد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان اذعان کرد که دو شاخص معرفی شده در تحقیق می‌تواند میزان ثبات بانکداری را مشخص نماید. نتایج تحقیق اگرچه رابطه‌ی مستقیم و مثبت بین سائز بانک و ثبات مالی بانک‌ها را نشان می‌داد اما با توجه به آزمون‌های انجام گرفته این فرضیه اثبات نگردید. می‌توان گفت که برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب و بهتر باید از تعداد بانک‌های بیشتر و همچنین تعداد سال‌های بیشتری استفاده نمود و البته با اطلاعات و داده‌های آماری بیشتر و منسجم که بتوان از آن‌ها برای آزمون استفاده کرد.

هم‌چنین نتایج تحقیق رابطه‌ی مستقیم و مثبت بین نسبت نقدینگی و ثبات مالی بانک‌ها را بیان می‌کرد و پس از انجام آزمون‌های مربوطه این فرضیه اثبات گردید. این نتیجه نشان دهنده‌ی آن است که با استفاده از نسبت نقدینگی بانک‌ها، می‌توان به میزان ثبات بانک‌ها پی برد.

هم‌چنین در مقایسه بین ثبات بانکی در نظام بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی می‌توان گفت تأمین مالی از راه استقراض، بازار بدهی گسترده‌ای ایجاد می‌کند و باعث بزرگ شدن سائز بانک البته به نحو نامطلوب، می‌شود. خرید و فروش وام با نرخ‌های بهره به صورت مکرر منجر به توسعه بازار بدهی بانک می‌شود و این امر از طرفی باعث بزرگ شدن بی‌رویه بانک می‌شود و از طرف دیگر ریسک نکول (عدم بازپرداخت وام) را افزایش می‌دهد و در نهایت منجر به بحران مالی و ورشکستگی می‌شود. بحران مالی اخیر آمریکا و اروپا نمونه بارز این واقعیت است. این در حالی است که نظام بانکداری اسلامی به جهت اصل مشارکت در سود و زیان دچار گسترش بی‌رویه‌ی بازار بدهی و بزرگ شدن سائز بانک به طور نامطلوب نشده است.

نکته‌ی دیگری که حائز اهمیت است آن است که ریسک در نظام بانکداری اسلامی بین تأمین‌کننده‌ی سرمایه و متقاضی سرمایه توزیع می‌شود، اما این ریسک در نظام بانکداری متعارف تنها متوجه متقاضی سرمایه می‌شود. بنابراین با وجود ابزارهای مالی اسلامی (صکوک، مضاربه و...) در بانکداری اسلامی ریسک کمتری در مقایسه با بانکداری متعارف دارد. به همین خاطر است که ریسک نقدینگی با توجه به نسبت نقدینگی در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف کمتر است و عدم کنترل آن در نهایت منجر به بحران و عدم ثبات مالی بانک‌ها می‌شود. این امر باعث می‌شود تا بانک‌ها در نظام سرمایه‌داری در نقدینگی کوتاه مدتشان دچار مشکل شوند و از پرداخت تعهدات خود عاجز باشند.

فهرست منابع

- ۱) اسدی پور، ن. (۱۳۸۴)، بررسی نقش و اهمیت نظارت مبتنی بر ریسک در نظارت بانکی و مقایسه آن با نظارت تطبیقی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، تهران، موسسه علوم بانکی.
- ۲) اشرف زاده، ح. ر. و مهرگان، ن. (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا. تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- ۳) پژویان، ج. و، دوانی. ع. (۱۳۸۳)، حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳.
- ۴) تقوی، م. و لطفی، ع. ا. (۱۳۸۵)، بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور. (۱۳۸۲-۱۳۷۴)، پژوهش‌های بازرگانی، ۲۰.
- ۵) توتونچیان، ا. (۱۳۷۵)، اقتصاد پولی و بانکداری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکداری.
- ۶) ثقفی، ع. و سیف، ولی‌الله. (۱۳۸۴)، شناسایی و اندازه‌گیری نسبت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی بنیادی موثر بر سلامت و ثبات نظام بانکی. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷.
- ۷) جمالیان، ه. (۱۳۸۶)، مقایسه میزان مواجهه با ریسک در بانکداری ربوی و غیر ربوی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
- ۸) سیدنورانی، م. ر. امیری، ح. و محمدیان، ع. (۱۳۹۱)، رابطه علیت بین سرمایه و سودآوری بانک، رشد و توسعه اقتصادی.
- ۹) عیوضلو، ح. و میسمی، ح. (۱۳۸۷)، بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱، دوره ۸.
- ۱۰) قدیمی، م. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر بر سودآوری نظام بانکی در ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۱۱) گجراتی، د. (۱۳۹۲)، اقتصادسنجی کاربردی. (ن. مهرگان. و ل. عاقلی. مترجم) تهران: انتشارات نور علم.
- ۱۲) موسویان، عباس. (۱۳۸۶)، نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد جایگزین، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵.

۱۳) میرباقری‌هیر، ن. و شکوهی‌فرد، س (۱۳۹۴)، ارزیابی و تعریف انواع ریسک در بانکداری ربوی و غیرربوی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول، مؤسسه ایده پرداز.

۱۴) ندری، ک. قلیچ، و. و میسمی، ح. (۱۳۹۲)، نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران‌های مالی، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۱۹.

۱۵) نیلی، ف. (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر ثبات مالی. فصلنامه روند، ۴۵.

- 16) Adusei, M. (2015). Bank profitability: Insights from the rural banking industry in Ghana. *Cogent Economics & Finance*, 3, 1078270.
- 17) Altaee, H. H. A., Talo, I. M. A., & Adam, M. H. M. (2013). Testing the financial stability of banks in GCC countries: Pre and post financial crisis. *International Journal of Business and Social Research (IJBSR)*, 3, 93–105.
- 18) Amidu, M., & Wolfe, S. (2013). Does bank competition and diversification lead to greater stability? Evidence from emerging markets. *Review of Development Finance*, 3, 152–166.
- 19) *Australian Journal of Management*, 16, 49–64.
- 20) Beccalli, E., Anolli, M., & Borello, G. (2015). Are European banks too big? Evidence on economies of scale. *Journal of Banking & Finance*. doi:10.1016/j.jbankfn.2015.04.014.
- 21) Beck, T., De Jonghe, O., & Schepens, G. (2013). Bank competition and stability: Crosscountry heterogeneity. *Journal of Financial Intermediation*, 22, 218–244. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jf.2012.07.001>
- Boot, A., & Thakor, A. (2000). Can relationship banking survive competition? *The Journal of Finance*, 55, 679–713.
- 22) Curak, M., Poposki, K., & Pepur, S. (2012). Profitability determinants of the Macedonian banking sector in changing environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 44, 406–416.
- 23) de Haan, J., & Poghosyan, T. (2012). Size and earnings volatility of US bank holding companies. *Journal of Banking & Finance*, 36, 3008–3016.
- 24) Demirgüç-Kunt, A., & Huizinga, H. (2010). Bank activity and funding strategies: The impact on risk and returns.
- 25) Donaldson, L., & Davis, J. H. (1991). Stewardship theory or agency theory: CEO governance and shareholder returns.
- 26) Farhi, E., & Tirole, J. (2012). Collective moral hazard, maturity mismatch, and systemic bailouts. *American Economic Review*, 102, 60–93.
- 27) Gabaix, X., & Landier, A. (2008). Why has CEO pay increased so much? *Quarterly Journal of Economics*, 123, 49–100.
- 28) [http://dx.doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](http://dx.doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X) Köhler, M. (2015). Which banks are more risky? The impact of business models on bank stability. *Journal of Financial Stability*, 16, 195–212.
- 29) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jbankfn.2008.07.018>. Hoggarth, G., Milne, A., & Wood, G. (1998). Alternative routes to banking

- stability: A comparison of UK and German banking systems. Bank of England Bulletin, 5, 55–68.
- 30) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jbankfn.2009.01.006>
Vickers Report. (2011). Independent commission on banking.
 - 31) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jbankfn.2013.04.031>
Mishkin, F. S. (1999). Financial consolidation: Dangers and opportunities. *Journal of Banking and Finance*, 23, 675–691.
 - 32) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jf.2010.06.003>
IMF. (2008, April). Global financial stability report. Retrieved from <https://www.imf.org/external/pubs/ft/gfsr/2008/01/>.
Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economic Review*, 76, 323–329.
 - 33) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jfneco.2010.06.004>
Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act.(2010). Retrieved from <https://www.sec.gov/ameabout/laws/wallstreetreform-cpa.pdf>.
 - 34) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jfs.2014.02.005>.
Kosmidou, K. (2008). The determinants of banks' profits in Greece during the period of EU financial integration.
 - 35) <http://dx.doi.org/10.1016/j.jimonfn.2014.02.008>
Flamini, V., McDonald, C., & Schumacher, L. (2009). The determinants of commercial bank profitability in Sub-Saharan Africa (IMF Working Papers Series, WP/09/15, pp. 1–32).
 - 36) <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.045> Davis, J. H., Schoorman, F. D., & Donaldson, L. (1997). Toward a stewardship model of management. *Academy of Management Review*, 22, 20–47.
 - 37) [http://dx.doi.org/10.1016/S0378-4266\(98\)00084-3](http://dx.doi.org/10.1016/S0378-4266(98)00084-3)
Murphy, K. (1985). Corporate performance and managerial remuneration. *Journal of Accounting and Economics*, 7, 11–42.
[http://dx.doi.org/10.1016/0165-4101\(85\)90026-6](http://dx.doi.org/10.1016/0165-4101(85)90026-6)
Nair, A., & Fissaha, A. (2010). Rural banking: The case of rural and community banks in Ghana (Agriculture and Rural Development Discussion Paper 48.) Washington, DC: The World Bank.
 - 38) <http://dx.doi.org/10.1080/14765284.2012.703541>
Uhde, A., & Heimeshoff, U. (2009). Consolidation in banking and financial stability in Europe: Empirical evidence.
 - 39) <http://dx.doi.org/10.1111/jof.2000.55.issue-2>
Bryman, A., & Cramer, D. (1997). Quantitative data analysis with SPSS for windows: A guide for social scientists. London: Routledge.
Calomiris, C., & Kahn, C. (1991). The role of demandable debt in structuring optimal banking arrangements. *American Economic Review*, 81, 497–513.
 - 40) <http://dx.doi.org/10.1162/qjec.2008.123.issue-1>
Hannan, T. H., & Prager, R. A. (2009). The profitability of small single-market banks in an era of multimarket banking.
 - 41) <http://dx.doi.org/10.1177/031289629101600103>.
Drehmann, M., & Nikolaou, K. (2010). Funding liquidity risk: Definition and measurement (BIS Working Papers, No. 316). Bank for International Settlements. Retrieved from <http://www.bis.org/publ/work316.htm>

- Etzioni, A. (1975). A comparative analysis of complex organizations. New York, NY: Free Press.
- 42) <http://dx.doi.org/10.1257/acr.102.1.60>
Fiordelisi, F., & Mare, D. S. (2014). Competition and financial stability in European cooperative banks. *Journal of International Money and Finance*, 45, 1–16.
- 43) Huang, R., & Ratnovski, L. (2011). The dark side of bank wholesale funding. *Journal of Financial Intermediation*, 20, 248–263.
- 44) Jaiswal, Seema, 2010, "Relationship between Asset and Liability of Commercial Banks in India, 1997-2008", *International Research Journal of Finance and Economics*, P 43-58.
- 45) Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3, 305–360.
- 46) Joel, Bessis, 1999, *Risk Management in Banking*, New York, John Wiley & Son.
- 47) *Journal of Banking and Finance*, 33, 1299–1311.
- 48) *Journal of Banking and Finance*, 33, 263–271.
- 49) *Journal of Financial Economics*, 98, 626–650.
- 50) Laeven, L., Ratnovski, L., & Tong, H. (2014). Bank size and systemic risk: Some international evidence. International Monetary Fund, Mimeo. Retrieved from <https://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2014/sdn1404.pdf>
- 51) *Managerial Finance*, 34, 146–159.
- 52) McClelland, D. C. (1961). *The achieving society*. Princeton, NJ: Van Nostrand. <http://dx.doi.org/10.1037/14359-000>
Mirzaei, A., Moore, T., & Liu, G. (2013). Does market structure matter on banks' profitability and stability? Emerging vs. advanced economies. *Journal of Banking and Finance*, 37, 2920–2937.
- 53) <http://dx.doi.org/10.1023/B:FINA.0000020657.59334.76>
Stiroh, K. (2004b). Diversification in banking: Is noninterest income the answer? *Journal of Money, Credit and Banking*, 36, 853–882.
<http://dx.doi.org/10.1353/mcb.2004.0076>.
- 54) <http://dx.doi.org/10.1353/mcb.2004.0076>
Liikanen. (2012). Special report of Liikanen Committee to overhaul European banking industry.
- 55) Perry, P. (1992). Do banks gain or lose from inflation? *Journal of Retail Banking*, 14, 25–30.
- 56) Retrieved August 3, 2015, from http://www.ecgi.org/documents/icb_final_report_12sep2011. Pdf.
- 57) Retrieved from <http://www.imf.org/external/pubs/+/wp/2009/wp0915.pdf>.
- 58) Retrieved from https://economics.rabobank.com/PageFiles/5794/SR1219nsm_Liikanen_committee_to_overhaul_European_banking_industry_eng.pdf.
- 59) Rose, P. S., & Hudgins, S. C. (2008). *Bank management & financial services*. New York, NY: McGraw-Hill.
- 60) Shleifer, A., & Vishny, R. W. (2010). Unstable banking. *Journal of Financial Economics*, 97, 306–318.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.jfneco.2009.10.007>

Stein, J. (2013). Regulating large financial institutions, speech at the Rethinking Macro Policy II Conference. Washington, DC: International Monetary Fund.

61) Stiroh, K. (2004a). Do community banks benefit from diversification? *Journal of Financial Services Research*, 25, 135–160. <http://dx.doi.org>.

62) Tan, Y., & Floros, C. (2012). Bank profitability and GDP growth in China: A note. *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, 10, 267–273.

63) Tripe, David, 1999, Liquidity Risk in Banks, New Zealand, Massey University.

Viñals, J., Pazarbasioglu, C., Surti, J., Narain, A., Erbenova, M., & Chow, J.

(2013). Creating a safer financial system: Will the Volcker, Vickers, and Liikanen structural measures help? (IMF Staff Discussion Note 13/04). Retrieved from <https://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2013/sdn1304.pdf>.